

دکتر محمد حسین پاپلی یزدی

عباس جلالی

شماره مقاله : ۳۳۱

گردو*

Dr. M. H. Papoli Yazdi

Abbas Jalali

Gerdo "walnut"

This article is a beginning of a series which being written for "A Dictionary of khorāsān Rural Terms" plan. under Ferdowsi University surveillance.

Rural problems are very complex and deep which most of them have been firmly rooted in rural social, economic and cultural structure and become a part of life, a kind of livelihood for rustics.

Behind many of these rural terms and words, there are some subjects that have root in the depth of culture of the region.

"walnut" merely is a word, a fruit but in mountainous regions, beyond the economic disputes like - Possession without land - it plays an important social and cultural role in preserving family contract which has a very old background, just as "date" in tropical and "olive" in Mediterranean regions.

* این مقاله در چارچوب طرح فرهنگ اصطلاحات روستایی خراسان؛ مصوب دانشگاه فردوسی مشهد، نوشته شده است. مجری طرح دکتر محمد حسین پاپلی یزدی و همکاران اصلی طرح آقایان دکتر محمد جعفر باحقی و دکتر رضا زمردیان هستند علاوه بر همکاران اصلی تعدادی افراد دیگر نیز با این طرح همکاری می‌کنند. آقای عباس جلالی هماهنگی کارهای اجرایی طرح را به عهده دارد.

مقدمه

مسائل روستایی، مسائلی بسیار پیچیده و ژرف هستند که بیشتر آنها در ساختار اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی روستاها رسوخ کرده و به صورت جزئی از اجزای زندگی و نوع معیشت روستایی درآمده‌اند. اگر به مسائل روستایی با دیدی ساده و یکسویه (مثلاً اقتصادی صرف) بنگریم، امکان پی بردن به ژرفای آنها فراهم نمی‌شود. در پس بسیاری از اصطلاحات و کلمات روستایی مطالبی بسیار نهفته است که ریشه در اعماق فرهنگ آن خطه دارد. جهان مادی‌گرای فعلی و آنها که جهان، شهر، روستا و عشایر را فقط از دید اقتصادی و حسابهای سرانگشتی و ریالی و آماری محض می‌بینند و توسعه و رشد را از راه ارقام صرف جستجو می‌کنند، محکوم به ساده‌اندیشی و ساده‌نگری هستند. اگر همه امور؛ بویژه روابط فرهنگی - اجتماعی با دید اقتصادی محض نگریسته شود، کم‌کم فرهنگ اقتصاد برتر بر همه جهان سایه می‌گسترده. این کاری معنایی، پوچی و یکدست شدن زندگی را در همه جا و همه مکانها در پی خواهد داشت.

برای این که نسل جوان، بویژه نسل جوان تحصیلکرده به ژرفای گوشه‌هایی از مطالب و مسائل روستایی پی ببرد، طرح فرهنگ اصطلاحات روستایی خراسان به دانشگاه فردوسی مشهد ارائه شد که مورد تصویب قرار گرفت.

گردو یک کلمه و یک میوه بیش نیست. در کتابهای آمار هم در مقابل واژه گردو، چند رقم بیشتر ذکر نشده است. مثلاً این که، تولید گردوی ایران در سال ۱۳۶۷، ۵۵ هزار تن^۱ و یا تولید آن در خراسان در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ به ترتیب ۶۶۱۳ و ۴۹۵۲ تن^۲ بوده است. اما گردو بویژه در مناطق کوهستانی (همانند خرما در مناطق گرم و زیتون در مناطق مدیترانه‌ای)، گذشته از مبحثی اقتصادی یک عامل مهم فرهنگی - اجتماعی است که پیشینه‌ای بسیار کهن دارد. آنها که با مکتب ساخت یا ساختارگرایی آشنایی دارند می‌دانند که؛ جزئی از اجزای ساخت بودن یعنی چه.

طرح مسأله

گردو یکی از تولیدات روستایی، بویژه روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی دژه‌ای است. بنابراین یکی از زیرمجموعه، زیرمجموعه‌های روستایی است. در حقیقت باغداری زیرمجموعه‌ای

۱- سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۲.

۲- سازمان برنامه و بودجه کشور، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی، آمارنامه استان خراسان، سالهای ۱۳۷۲ و

از مسائل روستایی است و گردو یکی از زیر مجموعه‌های باغداری به شمار می‌رود. مسائل اصلی که نظر دست‌اندرکاران این تحقیق را به خود جلب کرد، تا موضوع را ژرفتر بکاوند به شرح زیر بود:

۱- گردو علاوه بر یک واژه که بیانگر نام یک محصول درختی است، یک اصطلاح روستایی است که دربرگیرنده معانی و تعابیر و مفاهیم اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی است. این تعابیر که در پشت این واژه نهفته است کدامند؟ دانستن این امر خود یک مسأله بنیادی برای پژوهشگران بود.

۲- در سالهای دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ در بسیاری از روستاهای خراسان (و در برخی نقاط دیگر ایران) درختان گردوی زیادی قطع گردیده و به جای آن درختان سیب، گیلاس، آلو و ... کاشته شد. در سالهای کنونی به علت گرانی گردو و مشکلاتی که روستاییان در مقابل محصولاتی چون سیب و گیلاس پیدا کردند (کاهش نسبی قیمت، هزینه بالای انبارداری، آفتهای گوناگون و ...)، کاشت گردو دوباره رونق پیدا کرد. علت آن قطع بی‌رویه و این رونق کاشت دوباره چیست؟

۳- در حالی که طی دو سه دهه اخیر در خراسان باغهای بزرگ چندین ده هکتاری سیب، گلابی، گیلاس و ... به روشهای مدرن و نیمه مدرن ایجاد شده، باغهای گردو در این مقیاس به وجود نیامده است. در حقیقت گردو (حتی آنهایی که به تازگی کشت می‌شود) به عنوان یک محصول سنتی باقی مانده و بندرت تبدیل به باغهای بزرگ با استفاده از روشهای باغداری مدرن شده است. این امر چه دلایلی دارد؟

مبانی تئوریکی

می‌توان گفت گردو یک جزء (هرچند کوچک) از اجزای ساخت جامعه روستایی است. گردو محصولی است که به علت دیرینگی کاشت آن در ایران و نیز عمر دراز درخت، چیزی بیش از یک مسأله اقتصادی است. به همین جهت می‌تواند در ساختار اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی روستا، ولو اندک، نقش داشته باشد. برای همین می‌توان آن را در مکتب ساخت یا ساختارگرایی قرار داد و در داخل این مکتب به بررسی آن پرداخت. در حقیقت وقتی گردو را جزئی از یک ساخت روستایی تلقی کنیم (البته ممکن است عده‌ای با این نظر موافق نباشند) این حسن را دارد که فرضیه‌سازی را برای ما آسان می‌کند. زیرا با داشتن یک ایده تئوریکی و در نظر داشتن فرضیات می‌توان تحقیق را جهت یافته و در چارچوبه‌ای معین هدایت کرد و به پایان برد.

فرضیات^۳

۱- گردو علاوه بر نقش اقتصادی به علت قدمت (تاریخ) کاشت و عمر دراز درخت، دارای نقش فرهنگی - اجتماعی نیز هست. (می توان گفت گردو در مناطق کوهستانی همان نقش خرما در مناطق گرمسیر را دارد^۴).

۲- جمع آوری محصول احتیاج به نیروی انسانی نسبتاً زیاد در زمانی محدود دارد. این امر موجب ایجاد فعالیتهای ویژه اجتماعی از جمله یاوریهای سنتی شده است.

۳- عمر درخت گردو معمولاً بیش از عمر یک انسان است. این امر موجب یک سری روابط ارثی و سیستم سهم بری و خرد شدن مالکیت حتی برای یک درخت می شود.

روش تحقیق

۱- مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (ادبیات مربوط)

الف) مطالعات کتابخانه‌ای: برای به دست آوردن اهمیت و ویژگیهای درخت گردو، مناطق عمده تولید کننده (جهان، ایران، خراسان)، سطح زیرکشت، میزان تولید، کاربردهای چوب، برگ، میوه و همچنین کسب اطلاعاتی که حتی ایده آنها در ابتدا در ذهن نگارندگان نبوده است، به فرهنگها و کتب و مقالات مراجعه شده است، تا باصطلاح ادبیات مربوط مورد مطالعه قرار گیرد. در این مورد مطالب مربوط به گردو فیش برداری شد.

ب) مطالعات اسنادی: در جریان مطالعات مربوط به گردو متوجه شدیم که تعداد زیادی درخت گردو در روستاهای مختلف به صورت وقف وجود دارد. برای به دست آوردن اطلاعات و اسناد لازم به اداره کل اوقاف خراسان مراجعه و اطلاعات جالب و مهمی جمع آوری شد. این مطالعه موجب گردید که انتخاب عمده ترین روستای نمونه در خراسان (یعنی روستاهایی که تعداد زیادی درخت گردوی موقوفه در آنها وجود دارد) آسان شود.*

۳- از یک دیدگاه می توان گفت که تحقیق اکتشافی است و فرضیه ندارد.

۴- محمدحسین پاپلی بزدی «پیامدهای سیاسی، اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۶۸.

* در مراجعه به اداره کل اوقاف خراسان، آقای عبدالرضا امیر شیانی کمال همکاری و مساعدت و راهنمایی لازم را کردند که از ایشان سپاسگزاری می شود.

۲- مطالعات میدانی

انتخاب روستاهای نمونه (تیپ): در این گونه مطالعات، نمی توان به یک نمونه گیری به روش آماری دست زد. اگر جامعه آماری را روستاهای خراسان بگیریم که تعداد آنها بالغ بر ۷۹۰۸ آبادی مسکونی است متوجه می شویم که در بیشتر این آبادیها و روستاها درخت گردو وجود ندارد. در این صورت انتخاب تعداد روستاها از طریق نمونه گیری تصادفی ممکن است ما را به هدف نرساند و روستاهایی انتخاب شوند که در آنها اصلاً گردو وجود ندارد. در حقیقت جامعه آماری واقعی، کل روستاهای گردوخیز استان خراسان است. به دست آوردن نسبت کل روستاهای گردوخیز خراسان هزینه بر است. بعلاوه حتی لیست روستاهای گردوخیز نیز ما را به واقعیت رهنمون نمی شود؛ زیرا بسیاری از روستاها با داشتن چند درخت گردو جزو لیست روستاهای گردوخیز قلمداد شده اند. بنابراین به علت محدودیت اعتبار، به عوض به دست آوردن تعدادی روستای نمونه، از کل جامعه آماری، روستاهای نمونه انتخاب گردید. برای انتخاب روستاهای نمونه اقدامات زیر انجام شد:

الف) با مراجعه به اداره کل اوقاف عمده ترین روستاهایی که دارای بیشترین درخت وقفی بودند، (فریزی و اخلمد*) انتخاب شدند.

ب) چون می دانستیم که عمده ترین روستاهای گردوخیز در دره ها؛ بویژه انتهای دره های کوهستانی قرار دارند، چند روستای عمده کوهستانی خراسان؛ گیفان، بقمج، مصعبی، روئین، باغکند، اورته کند و ژرف را به عنوان روستاهای تیپ برگزیدیم. در پرس و جوهای اولیه و مراجعه مستقیم به این روستاها معلوم شد که انتخاب این روستاها خطا نبوده است. مسلماً شناخت مجری و همکاران او از روستاهای خراسان به این مسأله کمک اساسی کرده است.

پ) در مطالعات گسترده ای که برای کار طرح فرهنگ اصطلاحات روستایی خراسان در جریان است و بدین منظور مسافرت های بسیاری توسط مجری و همکاران طرح انجام می شود، در مراجعه به روستاها موضوع گردو نیز تعقیب گردید و گاه به طور تصادفی موارد جالبی مانند روستاهای کنگ و کلیدر (که در حقیقت شامل مورد دوم نیز می شود) مورد توجه قرار گرفت؛ لذا این روستاها نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

شیوه مطالعه میدانی

شیوه مطالعه، پرسشگری یا مصاحبه حضوری و با روش ژرفانگری است. برای مطالعه گردو

* آوای واژگان بومی و جاینامها در پایان مقاله آمده است.

پرسشنامه ویژه‌ای که از تعدادی افراد پرسیده شود تهیه نشده است. در روستاهای نمونه ابتدا افراد خبره و مسن و یا مسؤولین امر (متولی گروه‌های وقفی، مسؤول شورای اسلامی) انتخاب می‌شدند و بعد بطور انفرادی و یا در حضور جمع مثلاً در مسجد یا میدان روستا مصاحبه انجام می‌شد. مصاحبه بر روی نوار کاست ضبط و در عین حال در برخی موارد یادداشت برداری می‌شد. مسلماً پرسشگران خود دستورالعملی (پرسشنامه‌ای) را از پیش آماده و به ذهن سپرده بودند. به هنگام مصاحبه مشخص می‌شد که در هر روستا یکی دو نفر فرد خبره علاقه‌مند وجود دارد. تماس با این اشخاص زیادتر می‌شد. پس از مصاحبه و بازگشت به دفتر کار در مشهد اگر مشکلی پیش می‌آمد با مراجعه مستقیم دوباره به این افراد یا از طریق تلفن پرسشهای تکمیلی انجام می‌شد.

علاوه بر مصاحبه با افراد در روستاها، با تعدادی از روستاییان خبره که به شهرها مهاجرت کرده‌اند و بویژه مقیم مشهد هستند نیز تماس برقرار و اطلاعات تکمیلی از این افراد گرفته شد. در شهر مشهد علاوه بر روستاییان به چند نفر خبره در امور تجارت گردو نیز مراجعه گردید. باز هم از طریق مصاحبه حضوری و پر کردن نوار کاست و یا یادداشت برداری مطالب لازم به دست آمد.

تنظیم مطالب

۱- کار دفتری؛ پیاده کردن نوار کاست بر روی کاغذ

الف) همه نوارهای مصاحبه در روی کاغذ پیاده گردید، سپس از این یادداشتها و یادداشت‌هایی که در محل برداشته شده بود فیش برداری شد.

ب) فیش برداری

ب - ۱- پس از پیاده کردن نوارها بر روی کاغذ، کلیه مطالب مربوط به گردو فیش برداری شد.

ب - ۲- یادداشت‌های به دست آمده در روستاها نیز تبدیل به فیش شد.

۲- تنظیم فیشها

الف) درهم کردن فیشهای مربوط به مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی.

ب) طبقه‌بندی فیشها بر مبنای موضوعات اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ...

۳- نوشتن مقاله

الف) نوشتن مطالب مقاله بر مبنای مدارک (فیشها، نقشه‌ها، عکسها و ...).

ب) نوشتن مطالب بر مبنای استنباط از مطالب موجود و گرفتن نتیجه و در نهایت رد یا قبول

فرضیات.

گردو (نمونه خراسان)

گردو (ger.du) نام گونه‌ای درخت است که در سراسر جهان به خاطر میوه و چوبش معروف است. گردوی ایرانی یکی از ۱۷ جنس (در دانشنامهٔ امریکانا، ۲۰ جنس آورده است) این گونه و مهمترین آنهاست. «گردوی بومی دنیای قدیم، گردوی ایرانی / فارسی (*Juglans regia*)، یکی از مهمترین درختان گردوی مناطق معتدله است. چوبهای دکوری بسیار عالی از آن به دست می‌آید. پیشینهٔ کشت این گونه، آن قدر قدیمی است که خاستگاه آن ناشناخته مانده.»^۵ بلندی آن به بیش از ۳۰ و قطر تنه‌اش به بیش از ۱/۸ متر می‌رسد. از مهمترین سخت چوبهاست و عمرش به چند صدسال می‌رسد. میوهٔ گردو درون پوسته‌ای نسبتاً سخت با ضخامت متفاوت قرار دارد. برگها مرکبند و پوست آن به رنگ روشن تا سفید و در درختان جوان بسیار نرم و هموار است ولی با گذشت عمر خاکستری و ترکدار می‌شود. خاستگاه این درخت معلوم نیست^۶ هرچند که برخی معتقدند خاستگاه آن ایران و آسیای صغیر است.^۷ درخت گردو را در اکثر نقاط ایران بویژه نقاط کوهستانی و کوهپایه‌ای می‌توان یافت. بهترین آب و هوا برای درخت گردو آب و هوای نیمه‌سرد و مرطوب و کم باران است. در سراسر ایران و از جمله خراسان، بویژه در دره‌های کوهستانی این درخت پراکنده است. هرچه از شمال خراسان به سوی جنوب پیش برویم رویش گردو به سوی کوهپایه‌های با ارتفاع بیشتر گسترش می‌یابد. ارتفاع و شرایط اقلیمی نقش مهمی در رشد این درخت و مرغوبیت محصول آن دارد. در خراسان این درخت حداکثر تا ارتفاع ۲۱۰۰ متری و در موارد بسیار استثنایی تا ارتفاع ۲۳۰۰ متری به شرط واقع نشدن در مسیر باد رشد می‌کند. هرچه ارتفاع بلندتر باشد مغز گردو سفیدتر و مرغوبتر می‌شود. مغز گردوی واقع در ارتفاعات پست، تیره و در نتیجه کم‌ارزستر از مغز گردوی واقع در ارتفاع بلند است. اگر یک درهٔ کوهستانی؛ مثلاً درهٔ سررود واقع در بخش کلات نادری را در نظر بگیریم از آبادی خواجه مراد (ارتفاع ۶۵۰ متری)^۸ به طرف پایین که هوا گرم است درخت گردو نمی‌روید و اگر هم تکدرختهایی باشد محصول آن مرغوب نیست. از این آبادی و یا در حقیقت از این ارتفاع (۶۵۰ متری) به بالا درخت گردو وجود دارد و در مسیر درهٔ هرچه به طرف ارتفاع بالاتر

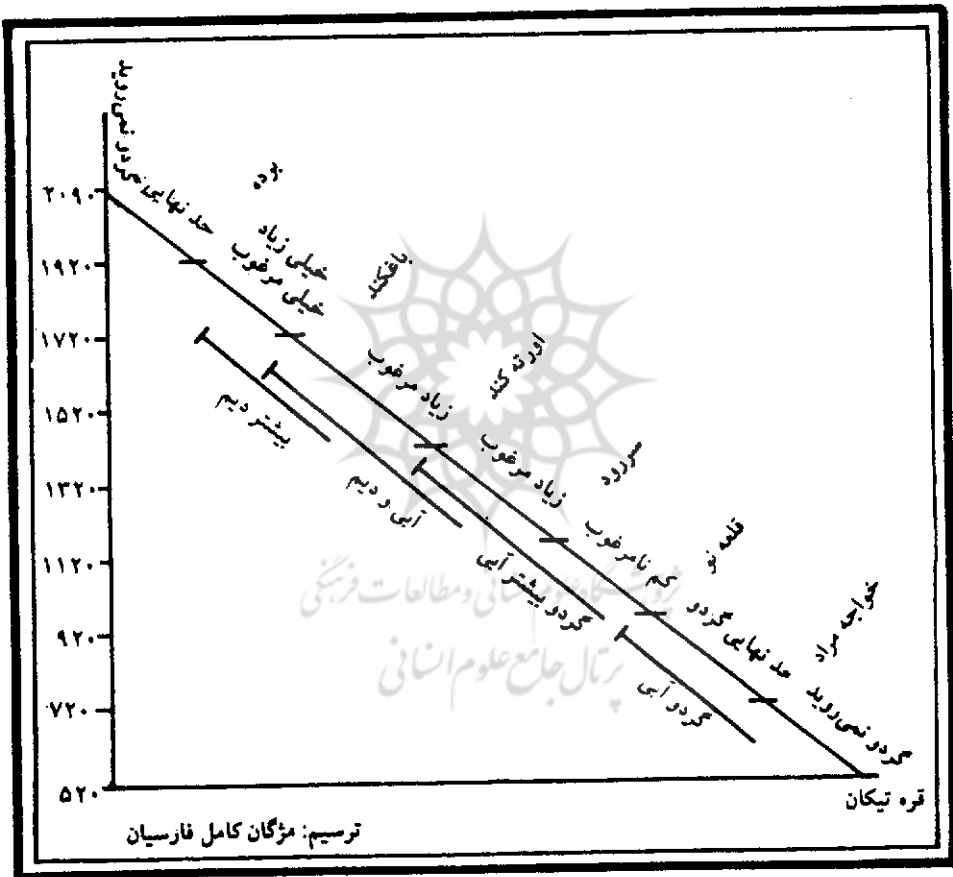
5- *Encyclopedia Americana*, 1985, vol. 28, p. 304 .

۶- محمد معین، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۶- مصاحب، دایرةالمعارف، جلد ۲.

۸- محمدحسین پاپلی یزدی، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

حرکت کنیم محصول گردو مرغوبتر می شود. در آبادی باغکنند با ارتفاع ۱۷۰۰ متر درخت گردو بسیار زیاد و محصول آن نیز بسیار مرغوب است. در آبادی برده با ارتفاع ۱۸۷۰ متر باغات گردو خیلی کم است و در آبادی آبکمه با ارتفاع ۲۰۹۰ متر درخت گردو اصلاً وجود ندارد. نمودار زیر می تواند موضوع را بخوبی نشان دهد.



عوامل اقلیمی نقش مهمی در رشد درخت گردو دارند. گاه یک عامل اقلیمی باعث می شود که در دو آبادی تقریباً هم ارتفاع در یکی گردو باشد و در دیگری یا اصلاً نباشد یا بسیار کم وجود داشته باشد. مثلاً در سرچشمه های رودخانه اترک در آبادی عمارت با ارتفاع ۱۷۰۰ متر درخت گردو بسیار

کم است. یکی از علل عمده کمی درخت گردو در این روستا جهت وزش باد است که مانع مهمی در رشد درخت و عامل عمده سرمازدگی نهال در زمستان است. اما در دره یدک (سرچشمه دیگر اترک) با ارتفاع ۱۷۶۰ متر درخت گردو بسیار زیاد است و محصول آن نیز بسیار مرغوب است؛ زیرا جهت این درّه به گونه‌ای است که وزش باد نمی‌تواند مانع رشد نهال گردو باشد.

اسامی درخت

اسم درخت و میوه آن در مناطق مختلف خراسان با آوای گوناگون خوانده می‌شود. در بیشتر نقاط خراسان درخت و محصول آن را گردو می‌نامند، اما در گیغان آن را جز Jaws در گلکان جَوز Jaws و در مهوید جَوز Jaws می‌نامند. در حقیقت مهمترین اسامی این درخت در خراسان گردو و جوز است.

کاشت

زمان کاشت: گردو را در پاییز (قبل از نشستن برف بر روی زمین) و یا در بهار حدود نوروز (پس از ذوب شدن برفها) می‌کارند.

نحوه کاشت

کاشت دستی: گردو را ابتدا در خزانه می‌کارند. برای این کار ابتدا قطعه زمین مناسبی را در باغ انتخاب می‌کنند (در روستای فریزی به این قطعه زمین حیطة چه hay. Ta. ča می‌گویند). حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ گردوی بسیار خوب را از میان گردوها دست‌چین کرده و آنها را زیر خاک می‌کنند (مثل روستای فریزی). در برخی روستاها ابتدا گردوها را خیس کرده و سپس آنها را به اندازه ۴ انگشت زیر خاک می‌کنند. (مثل روستای گیغان).

جابه جایی نهال از خزانه به محل اصلی: با بالا آمدن نهال شاخه‌های نازک (پاجوش) اطراف آن را هرس می‌کنند تا گیاه خود را بالا بکشد و رشد کند. نهال ۳ سال در خزانه می‌ماند. سال سوم ارتفاع نهال به حدود ۱/۵ متر می‌رسد. در این موقع نهال را با ریشه و خاک از جای درمی‌آورند. ریشه را در داخل گونی مرطوب می‌پیچند تا از گزند در امان بماند و آن را به محل اصلی کاشت درخت حمل می‌کنند. چنین نهالی را در روستای فریزی ورو (Var. row) و در فردوس ورو (Varow) می‌گویند.

کاشت طبیعی: گردوهای خودروی بسیاری در طبیعت وجود دارد. در خراسان به کاشت خودرو «کلاغ کشت» می‌گویند. کلاغها گردوهای رسیده را که معمولاً درشت‌ترین آنها نیز هستند برای خوردن انتخاب می‌کنند. تعدادی را می‌خورند و تعدادی را در جاهای دور از چشم و دسترس زیر خاک پنهان می‌کنند. همین کار باعث می‌شود گردو رشد کند و نهال آن تبدیل به درختی تناور شود. کلاغ در چرخه اکولوژی نقش خود را ایفا می‌کند. بدون این عمل کلاغ، پیدایش درخت گردوی طبیعی با مشکل روبرو می‌شود.

کشتگاه دائمی

گردوی آبی: گودالی قیفی شکل با درازا و پهنا 1×1 و ژرفای $5/0$ متر در باغ مورد نظر حفر می‌کنند و نهال را در آن می‌کارند. این نهالها در هر مدار گردش آب که ممکن است بین ۷ تا ۱۸ روز باشد آب می‌خورند.

گردوی دیمی: گودالی با اندازه‌های فوق را در محل مورد نظر که معمولاً در شیب دامنه‌های رو به آفتاب است حفر می‌کنند و نهال را در آن می‌کارند. سعی می‌شود نهال گردوی دیم/دیمه در جایی کشت شود که امکان جذب رطوبت و آب باران و برف باشد. پس از کاشت نهال دیم چندین بار با سطل به آن آب می‌دهند تا نهال خود را در خاک بگیرد، از آن پس گردوی دیم دیگر آبیاری نمی‌شود.

درخت گردو

گردوهای معمولی در شش یا هفت سالگی به بار می‌نشینند. از این زمان به بعد به آن «درخت گردو» می‌گویند.

درخت گردو تنها در دوره سه ساله (وررو یا نهال‌بودن) و سال اولی که به کشتگاه دائمی آورده می‌شود نیاز به مراقبت و رسیدگی ویژه دارد. پس از آن نگهداری این درخت بسیار آسان است. برای گردوهای آبی تنها کار آبیاری و کوددهی انجام می‌شود. برای گردوهای دیم همین کارها را هم انجام نمی‌دهند.

گونه‌های گردو و نامهای آن در خراسان

میوه گردو (جون) بر پایه ویژگیهایی همچون نازکی پوست، آسانی یا دشواری بیرون آوردن مغز از پوسته و ریزی و درستی آن در جاهای گوناگون خراسان نامهای مختلفی به خود گرفته است.

(۱) کاغذی / خوره خورده (xo.re.xor.da) [در فریزی]

بهترین و مرغوبترین گونه گردوست. با پوستی نازک که با دست هم می‌شکند. مغزش سفید و به آسانی بیرون می‌آید. مغز این گردو از همه گرانتر است. این نام در بسیاری از نقاط ایران و خراسان متداول است.

(۲) نرمک (nar. mak) [در فردوس]، مته گرد mat. te. gerd [در کنگ]

پوستش از کاغذی سخت‌تر و دارای مغزی سفید است که به آسانی بیرون می‌آید.

(۳) سوزنی، کلویی (ke. lo. yi) سنگی [در گیفان]، جوالدوزی [در فردوس]، کلاغونه (ke. lâ.

qu. na) / کله قونه [در فریزی] / کلاک پیر (kelak. pir) [در کنگ]

پوسته‌ای نسبتاً سخت دارد و پس از شکستن مغز آن به سادگی از پوسته جدا نمی‌شود و برای بیرون آوردن آن باید از جوالدوز استفاده کرد.

(۴) معمولی، چینگ بلند (cing. bo. land) / چینگی (cin.gi) / جوز نوشته (Jaw.z-e-ne.veš.ta)

[در فریزی]، لال (lâl) [در گیفان] / مته دراز (mat. te. ye. de. râze) [در کنگ]

گردویی است با نوک تیز و مغز پر و خطهایی روی مغزش به چشم می‌خورد.

(۵) شگلو (še. ga. lu) [در فریزی]، قق (qeq) [در گیفان]

گردویی است ریز و گرد

(۶) دست رونشو (das. te. ru. na. šow) [در فریزی]

گردویی است که روی مغز آن خاکستری رنگ است. گونه‌ای نایاب و در حال نابودی است، بطوری که در فریزی تنها یک درخت از آن وجود دارد.

باید یادآور شد که از چندین دهه پیش گونه‌ای درخت گردوی با اصطلاح خارجی کاشته می‌شود که زود به بار می‌نشیند و به خاطر سودآوریش همه به آن روی آورده‌اند؛ اما جنس گردوی آن چندان مرغوب نیست. در حالی که گردوی بومی ایران در هفت سالگی به بار می‌نشیند و عمر آن به بیش از چند صدسال می‌رسد.

باردهی و سودآوری گردو در خراسان

باردهی دراز آهنگ و بسیار فراوان گردو از یکسو، کاشت، داشت و برداشت بسیار آسان، عمر دراز درخت و پایداری آن در برابر آفت‌های گیاهی از دیگر سو، این درخت را در شمار درختان سودآور جای داده است.

این درخت پس از هفت سالگی که به بار نشست، هر ساله بر میزان باردهی می‌افزاید. درختان کهنسال گردو بیشترین بارآوری را دارند. در اخلمد به درختانی با عمر هفتاد سال برمی‌خوریم که حدود ۲۵۰۰۰ گردو محصول می‌دهند و در روستای مصعبی فردوس درختان نود ساله‌ای هستند که بطور استثنایی تا حدود ۱۰۰۰۰۰ گردو محصول می‌دهند.

گردوچینی و یاوربهای آن

چیدن گردو همیاری بسیاری را می‌طلبد. گردو درخت تناوری است با میوه فراوان که برای «تکاندن» و چیدن محصول آن باید از ابزار و افراد حرفه‌ای کمک گرفت. معمولاً برای تکاندن سرشاخه‌ها و چیدن گردو از چوب بلند نسبتاً سختی استفاده می‌کنند. این چوب در مناطق مختلف خراسان با نامهای متفاوتی (فریزی یا yā-کنک گزنده ge. zen. de) نامیده می‌شود.

کار تکاندن درخت گردو را در فریزی یازدن (yā-ze.den)، در گیفان گولوندن (go. london) و در مصعبی جوزروی (Jowz.ravi) می‌گویند.

فرد واردی که برای تکاندن سرشاخه‌ها از درخت بالا می‌رود در فریزی روه (ro. va)، در کنگ ریو (ri. vow) و در گیفان دولنه (dolna) نامیده می‌شود. روه دستمزد خود را به صورت نقدی یا جنسی دریافت می‌کند (در سال ۱۳۷۴ مزد روزانه تا ۵ هزار تومان و یا ۱۰۰۰ عدد گردو می‌رسیده است).

روزگردوچینی فرزندان و نوادگان مالک و برخی از همسایه‌ها به کمک می‌آیند. به این افراد چینه‌گر (Cinegar) می‌گویند. کار اینها جمع کردن گردو از روی زمین و شمارش آنهاست. دستمزد روزانه هریک از این افراد بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ گردوست. شام را نیز میهمان صاحب درخت هستند.

پس از پایان کار تکاندن گردو ابتدا حق روه را (اگر جنس باشد) جدا می‌کنند. سپس گردوها را برای شمارش کوت (kot) یا تل انبار می‌کنند. در گیفان برای شمارش همه شرکت می‌کنند ولی یک فرد مسن مسؤول شمارش می‌شود. هر ده گردویی را که افراد جدا کنند او یک شماره می‌دهد شماره‌ها که به ۵۰ رسید یک دانه گردو در جیبش می‌گذارد و هرگاه شمار این گردوها به ۱۰ رسید یک گردو در جیب دیگر می‌گذارد و همین‌طور کار ادامه می‌یابد تا شمارش تمام شود.

در برخی جاها از جمله در فریزی، بقمج و گل‌مکان از زمانی که گردو را کیلویی می‌فروشدند

(قبلاً گردو را دانه‌ای می‌فروختند)، شمارش با سطل و یا گونی ۲۰ کیلویی انجام می‌شود (تغییر واحد فروش، تغییر در تکنیک شمارش را به وجود آورده است).

پوست کندن گردو

تعدادی گردوی زودرس قبل از گردوچینی پوستشان به چهاربر شکافته می‌شود و گردوشان به زمین می‌ریزد. به این گردو در گیفان گرمه (Ger.ma) و در کنگ لیقی (Liqi) می‌گویند. درصد کمی از کل گردوها به صورت گرمه و یا لیقی هستند. قسمت اعظم گردوها را باید پوست کنند. برای پوست کردن چند روزی روی گردوهای تل انبار شده را با گونی می‌پوشانند تا پوست بیرونی آنها سیاه و نرم گردد. پوست کردن را در برخی جاها لخ کردن (Lax. kar. dan) و در گیفان کاک‌شکنی (ká.ke.še.ka.ni) می‌گویند. این کار با یآوری زنان خویشاوند و همسایه انجام می‌گیرد. برای پوست کنی از دو سنگ نسبتاً بزرگ (زیر و رو) استفاده می‌کنند. سنگ رویی را بر پوست می‌کوبند تا پوست نرم از پوست سخت جدا شود. آب تراویده از پوست گردو دست را خیلی سیاه می‌کند و رنگی پایا دارد. در سالهای اخیر برای جلوگیری از سیاهی دست، دستکش معمول شده است.

گروه یاریگر به هنگام کار، برای رفع خستگی و یکنواختی یا چای و قلیان پذیرایی می‌شوند. کار لخ کردن که تمام می‌شود گردوها را به پشت بام می‌برند تا چند روزی جلوی آفتاب خوب خشک شود. در پایان کار هر نفر تعدادی گردو به صورت دستخوش دریافت می‌کند.

چنین معمول است که پس از گردآوری گردو بچه‌ها زیر درختها را می‌جویند و هرکس هرچه یافت مال خودش خواهد بود. به این کار در گیفان «په‌چینی» (pe. čí. ni) گویند.

در خرم‌آباد سبزوار به گردوچینی گوز سیلکیرک (goz. sil. ki. rak) می‌گویند. در اینجا تقسیم گردو شکل ویژه‌ای دارد. برخی از درختان شرکای بسیاری دارند. درخت با ۷ نفر شریک فراوان است. هنگامی که گردوها چیده شد، عاقل مردی از شرکا گردوها را به نسبت سهم شرکا تقسیم می‌کند؛ مثلاً به ۸ بخش. این شخص را سالار می‌نامند. آنگاه سالار بچه‌ای را انتخاب می‌کند. بچه پشت به کپه گردوها می‌ایستد. سالار دست بر یکی از کپه‌ها می‌نهد و از بچه می‌پرسد «از کی؟» (az. ki) و بچه نام یکی از شرکا را می‌برد و تا به آخر، همه به این گونه تقسیم راضی هستند.

مالکیت درخت گردو

مالکیت درخت گردو به دو گونه اصلی است: ۱- مالکیت خصوصی؛ ۲- مالکیت وقفی

۱- مالکیت خصوصی

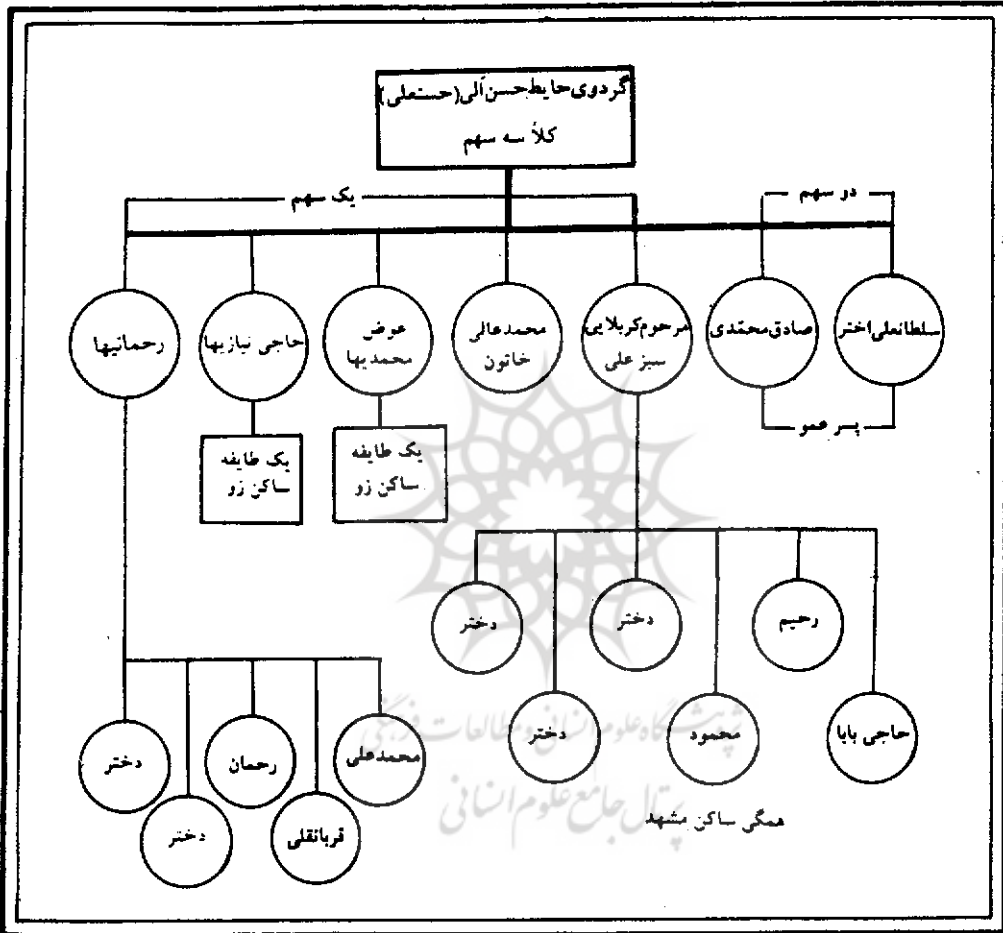
مالکیت خصوصی، خود به دو زیربخش فردی و مشاع (mo. ša) تقسیم می‌شود. الف) مالکیت فردی می‌تواند با زمین باشد. یعنی زمین / باغ یا درختان گردو از آن یک تن باشد؛ که در بسیاری از روستاها مانند بقمج، اخلمد، گل‌مکان و دولت‌آباد با آن روبرو هستیم. باغهایی با گستره ۵ هزارمتر مربع تا باغچه‌هایی به اندازه ۷۰ مترمربع [در بقمج] که همه کارهای کاشت، داشت، برداشت را خود مالک به انجام می‌رساند و یا به نصفه کاری می‌دهد. مالکیت فردی گردو می‌تواند بدون زمین هم باشد. این گونه یکی از برجسته‌ترین نمودهای مالکیت گردوست که در سراسر خراسان و در بسیاری جاهای کشور و حتی خارج از ایران دیده می‌شود؛^۹ مالکیتی مستقل و بدون زمین. کمتر درختی این ویژگی را دست کم، در خراسان داراست و این به خاطر «شخصیت» خاص گردوست. این درخت دارای «شخصیت» است. در روستاها آن را بسان یک انسان زنده می‌دانند و گاه مانند فریزی واژه مرگ را برای خشکیدنش به کار می‌برند. می‌گویند «درخت زنده است» و یا «درخت مرد»؛ شاید کهنسالگی، بارآوری دراز آهنگ و فزاینده، پایداری آن در برابر دشواریهای طبیعی و بالاخره نقش آن در فرهنگ، چنین خصالت را به این درخت بخشیده است. شخصیت گردو تا آن اندازه نیرومند است که می‌تواند به تنهایی یک ملک باشد؛ دارایی بدون زمین. در حقیقت زمین زیر پای گردو در تملک خود درخت است، نه هیچ کس دیگر. شاید برای آن که در زیر سایه آن کمتر گیاهی می‌تواند تاب بیاورد و درختانی که گرداگرد آن کاشته شوند، برای گریز از سایه سنگین آن خود را به سویی می‌خمانند و کج می‌شوند و اگر چنین نکنند، خواهند خشکید. حتی آدمها اگر در شب زیر درخت بزرگ گردو بخوابند به علت کمبود اکسیژن مسموم می‌شوند و یا می‌میرند. تا هنگامی که درخت گردو زنده است صاحب درخت در صورتی که مالک زمین نباشد در زمین باغی که درخت در آن روییده حقی دارد، اما همین که درخت مرد، صاحب درخت دیگر هیچ حقی در زمین باغ نخواهد داشت؛ مگر این که زمین و درخت از آن یک نفر باشد. این مسأله از نظر درک مفاهیم مالکیت بی‌نهایت مهم است. این که مالکیت زمین از مالکیت درخت جدا باشد، مسأله‌ای تازه و جدید نیست. در زمان پیامبر (ص) شخصی بنام سمره بن جندب منزلی را فروخته بود؛ ولی درخت خرمايي در آن منزل را برای خود نگه داشته بود و هر روز سرزده وارد آن خانه

۹- در خارج از ایران برای درخت خرما و زیتون شواهد زیاد است.

می‌شد و برای صاحبش مزاحمت ایجاد می‌کرد. مالک جدید شکایت به حضرت رسول (ص) برد. حضرت فرمودند: صاحب خانه آن درخت را برکند و جلو فروشنده بیندازد. این امر موجب قاعده و قانونی در اسلام شده است بنام «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» که در کتاب مکاسب مرحوم شیخ انصاری به تفصیل بحث شده است. آنچه در این مقاله برای ما مهم است، این است که در صدر اسلام هم امکان جدایی مالکیت درخت از زمین معمول بوده است.

در بخشهایی از اروپا، بویژه یونان و ایتالیا و در بخشی از آسیای صغیر (ترکیه) درخت زیتون همین ویژگی را دارد. به نظر می‌رسد در هر مکان درخت غالب درختی است که غذای عمده مردم یک ناحیه را تأمین می‌کند و ریشه در سنتها و فرهنگ و آداب و رسوم و عقاید و اقتصاد منطقه در طول هزاران سال دارد. به همین علت به ویژگیهای خاصی نیز دست یافته است. از آن جمله مالکیت مجزا از زمین، و شخصیتی مجزا از سایر گیاهان و در حقیقت نیمه انسانی، نیمه گیاهی. خرما در مناطق گرمسیر و زیتون در نواحی مدیترانه‌ای و گردو در کوهپایه‌ها و دره‌های کوهستانی به این ویژگیها دست یافته‌اند. به احتمال زیاد درختان دیگری در سایر نقاط دنیا به همین وضع هستند. این مفهوم مالکیت، کمک ویژه‌ای است برای ایجاد تحول در زندگی برخی گروههای انسانی. مثلاً در زندگی عشایری مالکیت دام مالکیتی شخصی و خصوصی و معمولاً غیرمشاع است؛ در صورتی که مالکیت مرتع می‌تواند به صورت مشاع، اشتراکی و یا کلاً از آن دیگری باشد؛ یعنی مالکیت مجزای دام و زمین از یکدیگر. حال در موقعی که عشایر بخواهند یکجانشین شوند و کشاورزی پیشه کنند، درک این شیوه مالکیت (مالکیت مجزای دو عامل تولید یعنی درخت و زمین) برای آنها کاری ساده است؛ چون قبلاً با این مفهوم یعنی جدایی مالکیت دام و مرتع آشنا بوده‌اند. در مناطقی از بختیاری و کهگیلویه که عشایر به تازگی اسکان یافته‌اند مالکیت مجزای گردو و زمین رواج دارد. (ایجاد ساختمان در زمینهای وقفی توسط مستأجرین نیز از همین مقوله است؛ مثلاً زمین اکثر ساختمانهای مشهد متعلق به آستان قدس رضوی است، در صورتی که ساختمان متعلق به افراد است؛ جدایی مالکیت عرصه با اعیان).

نمونه‌هایی از مالکیت مشاع درخت گردو



سهام

زمینی که این درخت گردو در آن قرار دارد متعلق به محمدعلی صادق است که به سه سهم گردو را پس از کسر حق گلودن و حق نگهداری به عنوان حق مالکیت زمین (eb. ra) می‌گیرد. خود درخت گردو

متعلق است به دو طایفه (عوض محمدیها و حاجی نیازها) و چهارده نفر دیگر. این درخت گردو کلاً سه سهم است. دو سهم آن متعلق به دو پسرعمو؛ آقایان سلطانعلی اختر و صادق محمدی و یک سهم آن متعلق به دوازده نفر و دو طایفه است. هر ساله یک نفر از طرف عوض محمدیها و یک نفر از طرف حاجی نیازها برای گرفتن سهمشان مراجعه می‌کنند. نگهداری درخت به عهده آقای محمدعلی صادق صاحب زمین است که طبق شرحی که در پی می‌آید حق مالکیت زمین و حق نگهداری درخت را دریافت می‌کند.

طریقه سهمبری در گیفان

فرض بگیریم درختی دارای هزار عدد گردو باشد. ابتدا ۱۰٪ یعنی صد عدد حق گلودن یا تکاندن یا چیدن گردوست. ۱۰٪ بقیه یعنی ۱۰٪ از نهصد گردو یا نود عدد حق کسی است که گردو را نگه داشته است و ۱۰٪ بقیه یعنی ۸۱ گردو (۷۲۹ = ۱۰٪ - ۸۱۰ = ۹۰۰ - ۱۰٪ = ۱۰۰۰ - ۱۰۰) حق صاحب زمین با ابره است. از ۷۲۹ گردوی باقیمانده سهم شرکا محاسبه و داده می‌شود. در ۱۴ روستای منطقه گیفان سهمبری از گردو به همین نحو است. در سال ۱۳۷۳ سهم سلطانعلی اختر از درخت گردوی حیاط حسنعلی؛ یعنی یک سهم از سه سهم پس از کسر حقوقات (ابره، گلودنی و نگهداری) ۱۵۳۲ عدد بوده است. در حقیقت این درخت در این سال بیش از ۶۳۰۰ عدد گردو داشته است. در همین سال سهم برخی از دخترهای طایفه حاجی نیازها و عوض محمدیها از این درخت فقط پنج عدد گردو بوده است. یعنی چیزی حدود $\frac{1}{۱۲۶۰}$ محصول ناخالص و یا $\frac{1}{۹۱۹}$ محصول پس از کسر حقوقات.

نمونه دیگر:

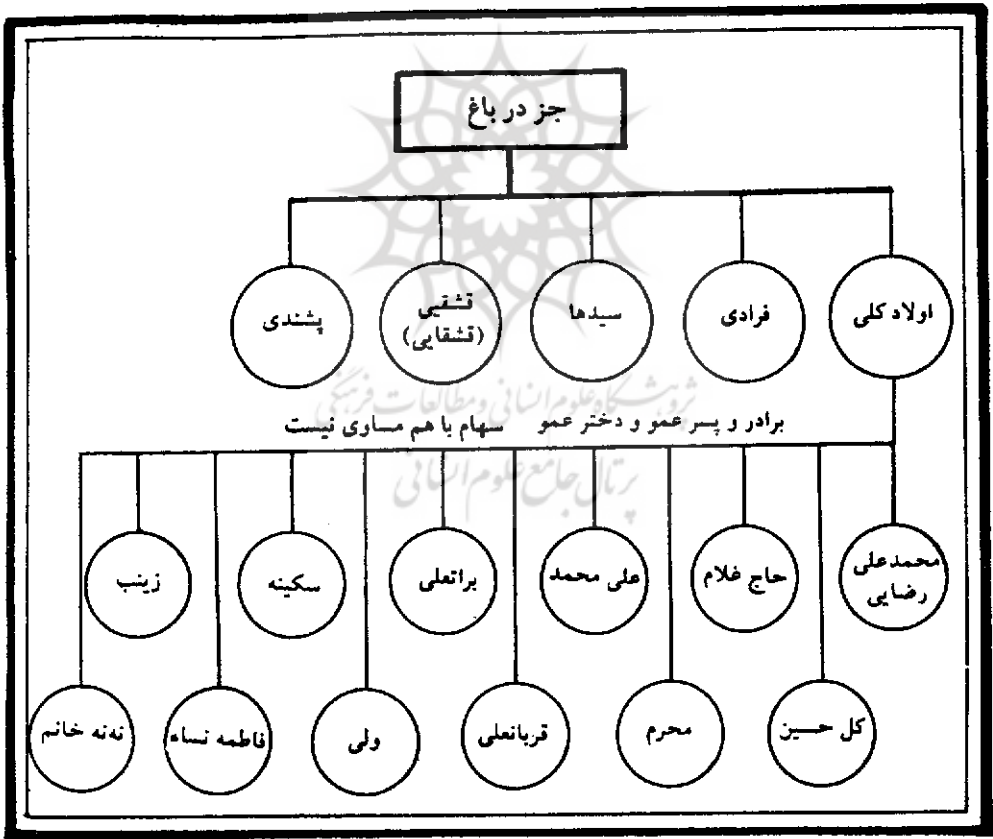
در روستای گیفان آقای محمدعلی رضایی ۵۳ ساله (سال ۱۳۷۴) کلاً ده درخت گردو دارد که ۷ درخت آن شریکی است.

۱- سه درخت دره میرزاکل (جز جونکلاغ، جز جوزخونه، جز باغ غلامعلی). سه درخت مال پدربزرگشان بوده است، نصف آن به مادر محمدعلی رضایی ارث رسیده و نصف سه درخت به خاله‌اش. مادر محمدعلی فوت شده است. محمدعلی دو برادر دارد و یک خواهر؛ پس سهم مادر آنها ($\frac{1}{۳}$ گردوها) به هفت سهم تقسیم شده است. محمدعلی دو سهم از ۷ سهم از $\frac{1}{۳}$ سهم یعنی دو سهم از چهار سهم و یا $\frac{1}{۶}$ گردو را دارد. زمین این گردوها متعلق به شخص دیگری است.

۲- سه درخت در حیاط کینه قلعه (کهنه قلعه) جزبزرگ، جزکلویی، جزآنه محمدتقی. این سه درخت از پدرش به ارث رسیده است. سهم محمدعلی دو سهم از هفت سهم بوده است، او سهام

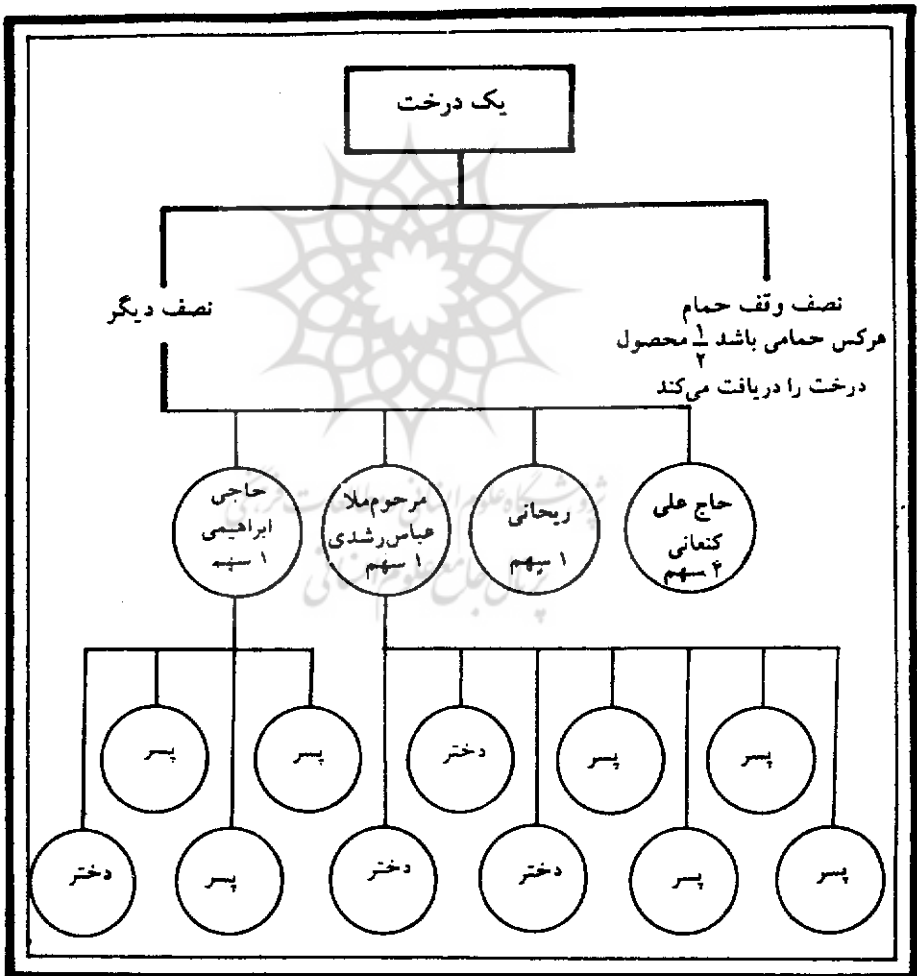
برادرانش (هر نفر دو سهم کلاً چهار سهم) را خریده است. یک سهم متعلق به خواهرش بوده است. خواهر او که فوت شده صاحب دو پسر و دو دختر بوده است. بچه‌های خواهرش سهم خود را دریافت می‌کنند. یعنی پسرها دو سهم از $\frac{1}{6}$ سهم از $\frac{1}{6}$ (یعنی $\frac{1}{3}$ محصول) و دخترها یک سهم از $\frac{1}{6}$ سهم از $\frac{1}{6}$ سهم یعنی $\frac{1}{36}$ محصول را پس از کسر حقوقات دریافت می‌کنند.
 ۳- جز در باغ این گردو حدود ۴۰ سال عمر دارد (سال ۱۳۷۳).

جز در باغ



این درخت به پنج سهم تقسیم می‌شود. یکی از سهام مربوط به اولاد کلی به دوازده نفر از ورثه او می‌رسد. محمدعلی یکی از وراث است و سهم فرد را از درخت می‌گیرد.
نمونه دیگر:

روستای مصعبی فردوس



بدین ترتیب هریک از پسران ملاحظاس رشدی دو سهم از یازده سهم از یک سهم از پنج سهم از دو سهم یعنی $\frac{۲}{۱۱}$ یا $\frac{۱}{۵۵}$ محصول را مالک هستند و هریک از دخترهای مرحوم رشیدی یک سهم از یازده سهم از یک سهم از پنج سهم از دو سهم یعنی $\frac{۱}{۱۱}$ محصول را می‌برند (هریک از دخترها $\frac{۱}{۱۱} \times \frac{۱}{۵} \times \frac{۱}{۲} = \frac{۱}{۱۱۰}$ و هریک از پسرها $\frac{۲}{۱۱} = \frac{۱}{۵۵}$ $\frac{۲}{۱۱} \times \frac{۱}{۵} \times \frac{۱}{۲} = \frac{۲}{۱۱۰}$)
یک نمونه دیگر:

روستای گلکان

گردوی خاله خانم: خاله خانم در سال ۱۳۵۷ فوت شده است. او فقط صاحب یک اصله درخت گردوی بزرگ بوده است که زمین آن متعلق به دیگری است. خاله خانم چهار پسر و سه دختر داشته است.

سهم هریک از دختران خاله خانم $\frac{۱}{۱۱}$ و سهم هریک از پسران $\frac{۲}{۱۱}$ محصول گردوست. گردویی که زمین آن متعلق به آنها نیست. در سال ۱۳۷۳ این درخت ۶۰۰۰۰ تومان درآمد خالص داشته است.

در روئین اسفراین درختهایی هستند که پانزده تا بیست نفر در آنها شریک هستند. عمر دراز درخت گردو و مسأله مالکیت مشاعی آن باعث شده است که گاه واسطةالعقد افراد یک خاندان باشد. در حقیقت درخت گردو شجره‌النسب خاندان شده است. افراد زیادی که گاه به بیش از صد نفر می‌رسند و همه از نوادگان یک نیای مشترک هستند و گاه در روستاها و شهرهای مختلف ساکن هستند و همدیگر را هم نمی‌شناسند در یک درخت مشترکند. این اشتراک موجب آشنایی آنها با یکدیگر است و یا لاقلاً کسی که نگهبان درخت است همه را می‌شناسد و اسامی همه و سهم‌الشراکه آنان را دارد. در برخی روستاها در روز تقسیم محصول از طرف نگهبان درخت همه شرکا به ناهار دعوت می‌شوند (معمولاً آتش که مخارجش از محصول کسر می‌شود). پس از صرف ناهار، محصول را بر مبنای سهم‌الشراکه تقسیم می‌کنند. این امر باعث می‌شود که افراد خاندان لاقلاً در سال یک بار یکدیگر را ببینند. گاه اتفاق می‌افتد که در درختی خانواده‌های مختلف که اصولاً با هم نسبتی هم ندارند شریک باشند. چون ممکن است پدران آنها که در درخت شریک بوده‌اند با هم نسبتی نداشته‌اند (اتفاق می‌افتد که کسی سهم خود را به غریبه بفروشد). این مراسم موجب نزدیکی خانواده‌ها و رفع کدورت‌های احتمالی می‌گردد. حتی در برخی روستاها ضرب‌المثلی پیدا شده است که برای افرادی که با هم نسبتی ندارند و یا نسبت بسیار دوری با هم دارند بگویند فلان‌کس با فلان‌کس

در کردو با هم مشترک هستند (معادل قوم خویش دسته دیزی و یا گربه‌هاشان روی بام هم را دیده است).

مالکیت زمین

مالک زمین اگر صاحب درخت کردو نباشد، به هنگام فروش تنها می‌تواند زمین خود را بفروشد. درخت از آن صاحب یا صاحبان درخت است. خریدار زمین تنها $\frac{1}{10}$ محصول کردو (پس از کسر حق گلودن و حق نگهداری) دریافت می‌کند. در سند درخت تنها می‌نویسند «فلان درخت کردو به فلان شخص فروخته شد»، بدون نام بردن از هیچ زمینی. در حقیقت هر درخت کردو باید اسمی و مشخصاتی داشته باشد تا شناسایی شود. ممکن است این سؤال پیش آید که چرا عده‌ای زمین را که درخت آن متعلق به دیگری است خرید و فروش می‌کنند؟ این سؤال مهمی است. باید توجه داشت که ارزش برخی از زمینها؛ بخصوص زمینهایی که روی شیب دامنه‌هاست (که آبیگری آن کار مشکلی است) و اگر درخت کردو در آن نباشد کشتهای دیگر بر روی آن مقرون به صرفه نیست، ارزش آن فقط به علت وجود همان درخت کردوست. در حقیقت خریدار زمین را به آن نیت می‌خرد که از $\frac{1}{10}$ محصول کردو استفاده کند. معمولاً افراد یک خانواده که در یک درخت شریک هستند سهام خود را در داخل فامیل خرید و فروش می‌کنند و حاضر نیستند سهم کردوی خود را به غیر بفروشند. حال اگر شخصی که از این فامیل نیست بخواهد در درخت کردوی بارور شریک باشد، کل زمین درخت کردو یا سهمی از آن را می‌خرد. باید توجه داشت همان طور که درخت کردو بر اثر ارث مشاعی می‌شود، زمین درخت کردو هم بر اثر ارث مشاعی می‌گردد. مثلاً در روستای خروعلیا شخصی $\frac{1}{4}$ از $\frac{1}{7}$ از $\frac{1}{11}$ (یعنی $\frac{1}{308}$) زمینی را که فقط چهار درخت کردو در آن قرار دارد شریک است. از $\frac{1}{10}$ محصول این درخت $\frac{1}{308}$ به او می‌رسد (یعنی $\frac{1}{3080}$ کردو). در عمل باید گفت برای این اشخاص کردو و زمین کردو فقط بهانه‌ای است برای وابستگی خانوادگی و اتحاد و همبستگی.

اگر با دید دیگری به قضیه نگاه کنیم درخت کردو مانع تقسیم و تکه‌تکه شدن زمین می‌شود. معمولاً ارث باعث قطعه‌قطعه شدن زمین می‌گردد. وقتی درخت یا درختان کردو در زمینی قرار دارد، در عمل آن زمین، یکپارچه باقی می‌ماند و فقط محصول (کردو) است که تقسیم می‌شود. مثلاً شخصی که $\frac{1}{11}$ یا $\frac{1}{308}$ قطعه زمینی را به ارث برده است، اگر درخت کردو در آن زمین نبود، احتمال آن که زمین را تقسیم کنند و قطعه کوچکی را او تصاحب کند وجود داشت، اما وقتی درخت کردو در زمین واقع است، تقسیم زمین مفهومی ندارد. شاید این خود تجربه‌ای باشد برای یافتن یکی از دهها راه یکپارچه‌سازی اراضی؛ ایجاد باغها آن هم باغهایی دارای درختانی که از عمر طولانی برخوردار

هستند برای جلوگیری از تقسیم زمین. در حقیقت تقسیم محصول در مقابل سهم زمین. انتخاب «نگهبان» برای نگهداری گردو (تکدرخت یا باغ گردو) که گاه فردی غریبه است و جزء شرکا نیست در حقیقت انتخاب مدیر است به روش سنتی برای یک امر تولیدی.

مالکیت چوب درخت

معمول این است که صاحب زمین هیچ حقی در چوب درخت گردو ندارد. یعنی اگر مالک یا مالکان گردو بخواهند درخت خود را قطع کنند و یا وقتی درخت خشک شد بخواهند چوب آنرا بفروشند صاحب زمین حقی از چوب ندارد.

اگر از درخت گردوی در حال خشک شدن یا خشک شده و یا پس از قطع درخت پاجوشی سبز شود و خود نهالی گردد و یا گردویی به زمین افتد و سبز شود باز هم حکم همان درخت گردوی قبلی را دارد و رابطه مالک و یا مالکان گردو با مالک و یا مالکان زمین همان رابطه قبلی $\frac{1}{4}$ محصول خواهد بود.

۲- مالکیت وقفی

بسیاری از روستاییان حتی آنهایی که توان مالی چندانی ندارند تعدادی درخت یا یک درخت یا دانگی و سهمی از یک درخت را به عناوین گوناگون وقف می‌کنند. این وقف بیشتر شامل درختهای دیمی که در شیب دامنه‌ها کاشته شده یا خودرو هستند، می‌شود. مورد وقف ممکن است مربوط به حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) یا یکی دیگر از امامان، امامزاده‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و بنیادهای همگانی روستا باشد. در برخی از روستاهای فردوس محصول گردوی وقفی را همه‌ساله در روزهای سوگواری ماه محرم میان عزاداران یا دسته‌های سینه‌زنی و یا در شبهای قدر ماه مبارک رمضان میان شرکت‌کنندگان در دوره‌های قرآن و یا حاضران در مجلس روضه‌خوانی بطور مساوی بین زن و مرد و خرد و کلان تقسیم می‌کنند.

در برخی روستاها مثل دولت‌آباد شهرستان چناران درختانی وقف افطار روز ۲۱ ماه رمضان بوده است. متولی درآمد به دست آمده را به این کار اختصاص می‌داده است. در این روستا در سال ۱۳۷۴ بازای هر درخت بارور پنج هزار تومان بدین منظور در نظر گرفته شده است.

در روستای فریزی واقع در دامنه‌های شمالی بینالود تعداد نسبتاً زیادی گردوی وقفی وجود دارد که درآمد آنها زیر نظر اداره اوقاف مشهد خرج می‌شود. در این روستا معمول براین بوده است که هرکس گردو می‌کاشته از هر ده درخت دو درخت $\frac{1}{5}$ را وقف می‌کرده است. در سال ۱۳۷۴ شورای اسلامی روستای فریزی وظیفه متولیگری را به عهده داشته است. در این روستا پیش از انقلاب

اسلامی معمول براین بوده که گردوهای وقفی را به کسی که زمین نداشت به اجاره می‌دادند تا داشت و برداشت به عهده او باشد و سهمی را هم برابر قرارداد یکساله و گاه بیست ساله به وی می‌دادند. در روستای فریزی قراردادهای درازمدت نود ساله نیز بسته می‌شد. سهم وقف نیز سالانه به متولی پرداخت می‌شد، تا در موارد تعیین شده در وقف، صرف و خرج نماید. اما پس از انقلاب اداره اوقاف بنا بر «لایحه قانونی اردیبهشت ۱۳۵۸ مبنی بر تجدید قرارداد، اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد» که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، کارها را به دست گرفت. با این همه هنوز هم گونه‌هایی از وقف وجود دارد که اداره اوقاف دخالت چندانی در آنها نمی‌کند.

در وقف گردو هم دو گونه مالکیت به چشم می‌خورد. مالکیت با زمین که چندان شایع نیست. مالکیت وقفی بدون زمین که فراگیرتر از شیوه اولی است.

نمونه‌هایی از وقف در روستای فریزی

وقف کلی^{۱۰}: امامزاده فریزی؛ برابر اسناد اداره اوقاف خراسان، بیشتر درختان گردوی وقفی در خراسان در سه ناحیه اخلمد، فریزی و پیوه‌ژن (pi. ve. jan) انبوه شده‌اند. یک نمونه از وقف کلی گردو را در فریزی می‌توان دید. موقوفه‌های امامزاده فریزی که اداره اوقاف بر آنها نظارت می‌کند عبارتند از: چهارصد درخت گردوی روستای پایه در شش دره که در هر یک ریزابه‌ای روان است، قرار دارند. (دره هفتمی از آن مزار روستای پایه است)؛ بنابراین $\frac{6}{7}$ گردوی روستای پایه وقف امامزاده فریزی است. علاوه بر این، امامزاده صاحب سیصد درخت دیگر در خود روستای فریزی است. بر روی هم امامزاده هفتصد درخت گردوی وقفی دارد که خود آنها بر دو گونه‌اند:

(۱) گردوهای دیم که بیشتر سوزنی و در کوهپایه‌ها و دامنه‌ها پراکنده‌اند. بیشتر درختان کهنسالی هستند.

(۲) گردوهای آبی که جنس بسیار خوبی دارند و در باغها کاشته شده‌اند.

شیوه برداشت گردو با نظارت اداره اوقاف

در نخستین سالهای پس از انقلاب اسلامی، به هنگام فصل گردوچینی، کارشناسی از سوی اداره اوقاف به روستا می‌آمد. ریش سفید ده که گاه خود سرپرست شورای اسلامی نیز بود، نماینده را می‌پذیرفت. همراه چند نفر خبره درختان را سرشماری می‌کردند و صورتجلسه می‌شد. در همان

۱۰- ابوسعید احمدبن سلمان، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، از انتشارات سازمان اوقاف تهران، ۱۳۵۸، ص ۸۶.

سالها از طرف اداره اوقاف برای هزینه‌های امامزاده سالانه صد هزار تومان به ریش سفید ده داده می‌شد و در برابر برای مخارج امامزاده از او سیاهه و فاکتور می‌خواستند. در حال حاضر (۱۳۷۴) یک نفر معتمد بومی که اداره اوقاف هم او را پذیرفته از درختان سرشماری می‌کند. این فرد با مأموری از دادگستری و دو نفر از اوقاف و بزرگان ده نشستی در مسجد تشکیل می‌دهد تا کار «مزایده گردوی وقف» را به انجام برسانند. این مزایده ده تا پانزده روز پیش از این نشست اعلام می‌شود. شرکت در این مزایده همگانی است که شمار شرکت‌کنندگان در آن از روستای فریزی و پایه به دوست نفر می‌رسد.

بر پایه سیاهه برداری کارشناس و بهایی که ریش سفید تعیین می‌کند، قیمت پایه اعلام می‌گردد. مثلاً می‌گویند گردوی فلان جا دانه‌ای ۳۰/۴۰ ریال می‌ارزد که این خود بر پایه مرغوبیت گردوست. گاه درخت گردویی هزار دانه‌اش سه کیلو مغز می‌دهد و در بهترین نوع هزار دانه، ده کیلو هم مغز داشته است. صورتجلسه‌ای تنظیم و برنده مزایده به اداره اوقاف معرفی می‌شود. اداره اوقاف شرایط دریافت وجه (نقدی، چک یا سفته و غیره) را برای برنده مزایده مشخص و اداره اوقاف وجه را به حساب متولی امامزاده واریز می‌کند. متولی طبق ضوابط وجه را خرج مورد وقف (در این روستا) امامزاده می‌کند.

در مزایده هم گونه‌ای همیاری وجود دارد. رسم بر این است که یک نفر خود به تنهایی در مزایده شرکت نکند، بلکه فرد نماینده یک خاندان یا طایفه یا یک گروه است. در حقیقت عده‌ای شریک هستند که گاه تعدادشان به سی تا چهل نفر می‌رسد. این شرکت بر پایه خویشاوندی و اعتماد به یکدیگر است. البته طرف قرارداد با اداره اوقاف یک نفر است. فرد برنده با شرکایش بطور دسته‌جمعی برای گردوجینی از درختهای وقفی امامزاده فریزی اقدام می‌کنند.

وقف حسینی فریزی: حسینی فریزی صاحب حدود یکصد درخت گردوی آبی است. این گردوها تماماً در داخل روستا و یا باغها قرار دارند. باردهی این درختها از درختهای دیمی امامزاده بیشتر است. بعلاوه درختهای داخل و باغها کمتر از درختهای دیمی روی دامنه‌ها دچار سرمازدگی می‌شوند. از درآمد گردوهای وقفی حسینی در سالهای اخیر کارهای زیر انجام شده است: خرید فرش، موتور برق، تعمیر ساختمان، ساخت آشپزخانه و دستشویی و توالت و خرید زمینهای اطراف برای گسترش حسینه.

وقف گرمابه: تعدادی درخت گردو وقف حمام فریزی است که معمولاً آنها را پنج تا ده ساله

اجاره می‌دهند. درآمد سالیانه، خرج گرمابه روستا می‌شود. در سال ۱۳۷۴ حمامی ماهی هفت هزار تومان از درآمد گردوها حقوق می‌گرفته است.

وقف راه: پیش می‌آید که درختی که شاخه‌هایش از باغ بیرون می‌آید و بر راهی که در آن آمد و شد می‌کنند سایه می‌افکند. در این صورت مالک یک درخت کامل یا دانگی از درخت را وقف خوردن عابران می‌کند. البته وقف بدین شرط است که خوردن حلال و بردن حرام.

گردو به عنوان مهریه و هدیه به عروس و داماد

بجز شیوه خرید و فروش گردو (با زمین یا بدون زمین) و وقف، روشهای دیگری هم برای انتقال مالکیت گردو وجود دارد که مهمترین آن در مراسم عروسی است.

مهریه

در روستاهایی مانند گلمکان و اخلمد مهریه بیشتر عروسها درخت گردو، باغ و یا زمین تعیین می‌شود. معمولاً وقتی مهریه زن پول و یا طلا تعیین می‌شود فقط در زمان طلاق است که زن می‌تواند مطالبه مهریه خود را بکند؛ اما در مورد درخت گردو از همان لحظه عقد درخت جزو دارایی عروس محسوب می‌شود و او می‌تواند سهم محصول خود را برداشت یا دریافت کند. در برخی روستاها مثل اخلمد دامنه میزان مهریه از سهمی از یک درخت گردو تا سی درخت کامل است.

شودزدی (šow-dož-di)

در روستای فریزی دو سه شب پس از رفتن عروس به خانه بخت به دعوت پدر عروس (خوسور xo.sor) عروس و داماد به خانه وی می‌آیند. در پایان شب که عروس و داماد آهنگ بازگشت دارند، پدر عروس می‌گوید فلان درخت گردو یا کندوی عسل را به دخترم بخشیدم. در این باره نوشته‌ای رد و بدل نمی‌شود. ممکن است درخت گردو بطور کامل هدیه نشود، بلکه سهمی از یک درخت هدیه شود و یا ممکن است یک درخت و سهمی از یک درخت دیگر هدیه شود. مثلاً در همین روستا مردی که ۵ دختر دارد به دختر اولش درخت جوان ده پانزده ساله و سهمی از یک درخت تناور را هدیه کرده است. زمین در مالکیت پدر این دختر باقی مانده است. این پدر در درخت دوم شریک بوده است که سهم خود را به دخترش بخشیده است. شریک او نیز سهم خود را به دخترش داده است و حالا (۱۳۷۴) این دو زن در این درخت سهیم هستند.

سرپای (sar.pây) یا پانداز (pâ.an.daz)

در گیفان شبی که عروس را به خانه بخت می‌آورند، پیش از ورود به خانه، پدر داماد پانداز

می‌دهد. این پانداز ممکن است یک درخت یا سهمی از یک درخت گردو باشد.

بخشش به داماد

بطور مثال در روستای جلمبادان، هنگامی که داماد را از گرمابه به خانه بازمی‌گردانند، در جلو خانه تا پدر یا مادرش چیزی را به او هدیه نکنند از اسب پیاده نمی‌شود. این هدیه می‌تواند درخت گردو یا سهمی از یک درخت باشد. در اینجا نوشته‌ای هم به همین منظور به داماد داده می‌شود.

پاگشا (pa.go.sa)

در روستای مهوید، مصعبی، امرودکان و کریموی فردوس، درخت گردو را به چهار بخش (چهار شاخ) و یا شش دانگ تقسیم می‌کنند. پدر و مادر پسر در اولین دعوتی که از عروس و داماد پس از رفتن به خانه‌شان می‌کنند، هدیه پاگشا می‌دهند. این هدیه می‌تواند یک درخت کامل یا بخشی یا دانگی از یک درخت باشد.

ارث

در اکثریت قریب به اتفاق روستاها درخت گردو برابر قوانین اسلامی بین وارثان تقسیم می‌شود. پسر دو سهم و دختر یک سهم و زن یک هشتم سهم. مواردی در برخی روستاها دیده شده است که سهم دختر و پسر از درخت گردو با هم مساوی است.

نصفه کاری

در مالکیت خصوصی و یا وقفی درخت یا درختان و یا باغ گردو را به کسی واگذار می‌کنند که تمامی کارها را (کوددهی، آبیاری، نگهداری، چیدن و غیره) را انجام دهد. پیمانی پنج تا بیست ساله میان موجر و مستأجر بسته می‌شود. معمولاً بر مبنای این پیمان محصول گردوها نصف می‌شود. پس از پایان پیمان افراد خبره میزان این حق را معین می‌کنند تا به مستأجر پرداخت شود.

حقوق عرفی همسایگان

اگر شاخه‌های درختی از زمین به باغ یا خانه یا بام همسایه گسترده شود، حقی برای همسایه در چیدن گردو ایجاد می‌شود. سهم این حق مشخص نیست. اگر رابطه دو همسایه خوب نباشد صاحب گردو مجبور می‌شود با قطع شاخه‌های درخت رفع مزاحمت کند.

کاربرد اجزای گردو

کاربرد پوست سبز گردو (گیفان؛ پوکله Pokle، فردوس؛ پوستله Pustele)

۱- رنگریزی: پوست سبز گردو که آبدار است رنگی پایا دارد و در رنگریزی بویژه برای رنگ

کردن نخ قالی به کار می‌رود. پوست خشک‌شده را ابتدا آسیا می‌کنند و سپس طی مراحل طی از آن رنگی شکلاتی یا زیتونی متمایل به قهوه‌ای به رنگ گردویی یا جوزی تهیه می‌کنند. تهیه رنگ از پوست گردو از زمانهای کهن و تقریباً در سراسر ایران شناخته شده بوده است. تجار مشهدی در سال ۱۳۷۴ هرکیلو پوست خشک‌شده گردو را ۶ تومان می‌خریده‌اند.

۲- در برخی روستاها از جمله فریزی، از پوست گردو به عنوان کود سبز استفاده می‌شود.

برگ گردو

۱- کود سبز: از برگ گردو به عنوان کود سبز استفاده می‌شود.

۲- خوراک دام: برگ خشک‌شده گردو را با کاه مخلوط می‌کنند و به دام می‌خورانند.

۳- درمانهای سنتی: برگ گردو به عنوان داروی سنتی به کار می‌رود. کسانی را که کوفتگی بدن داشته باشند در تشکی پوشیده از برگ گردو می‌خوابانند و لحاف را بر رویشان می‌کشند تا بدنشان نرم شود. روستاییان برگ گردو را باصطلاح «گرم» می‌دانند.

۴- برگ گردو در داروسازی به کار می‌رود.

چوب گردو

چوب انواع گردو؛ بویژه گردوی پرسیا (فارسی، ایرانی) از زیبایی و ارزش خاصی برخوردار است. «رنگ این چوب از قهوه‌ای روشن تا شکلاتی متفاوت است که بیشتر در ساختن اثاثیه منزل و دکور دفاتر و ادارات به کار می‌رود. از چوب گردو در ساختن بدنه رادیو، تلویزیون، قنادق تفنگ، پیانو و تابوت استفاده می‌شود. به مقدار محدود در راه آهن، نرده، تیرهای چوبی و سوخت هم به کار می‌رود.»^{۱۱} در دهه‌های اخیر پوست درخت گردو به صورت لایه‌های نازک (کمتر از یک میلیمتر) درمی‌آید تا برای روکشی کارهای چوبی به کار رود. یعنی این چوب هم در کارهای سخت و هم برای کارهای چوبی زیبا کاربرد دارد. از چوب درخت گردو در کارهای هنری؛ بویژه در مجسمه‌سازی استفاده می‌شود.

چوب میوه گردو

سوخت: چوب میوه گردو که پس از شکستن و مغز کردن آن به دست می‌آید، معمولاً برای سوخت به کار می‌رود.

هنر: در برخی از کشورها، بویژه چین کارهای ظریفی بر روی میوه گردو انجام می‌دهند. یکی از آن کارهاکننده کاری است. نگارنده در بهار ۱۳۷۴ در هتل لاله تهران گردویی را به مبلغ سی هزارریال خریداری کردم که بر روی آن ۱۸ آدمک (صورت و هیكل) توسط هنرمندان چینی کنده کاری شده است. در روی هر نیمکره ۹ آدمک. به علاوه در این زمینه با ظرافتی خاص کنده کاریهایی به صورت برگ درخت و ستون انجام شده است.

مغز گردو

تهیه مغز گردو یکی از اهداف اصلی کاشت گردوست.

خوراک: مغز گردو کاربردهای خوراکی مختلفی به صورت خام و پخته، تنها و آمیخته با سایر غذاها را دارد. تهیه فهرست انواع غذاهای تهیه شده با گردو از حوصله این مقاله خارج است. گردو به علت فسفری که دارد همراه با پنیر خورده می‌شود. در کشورهای اروپایی؛ بویژه فرانسه کارخانجات پنیرسازی، پنیرهای مخلوط با گردو را به بازار عرضه می‌کنند. در برخی از کشورها، بویژه آلمان نانهایی که گردو در خمیر آنها مخلوط شده است تهیه می‌شود. در برخی روستاهای خراسان نیز مغز گردو را می‌سایند و سپس با خمیر برای تهیه نان بخصوص برای تهیه فطیر افطار ماه رمضان مخلوط می‌کنند. میوه گردو در بستنی‌سازی، شکلات و کیک هم کاربرد دارد^{۱۲}. غذاهای مختلفی با گردو تهیه می‌شود که مشهورترین غذای ایرانی فسنجان است. مغز گردو در تهیه انواع شیرینی کاربرد دارد. جوزقندها و انواع رنگینکها (گردوی ساییده شده داخل خرما) در اکثر نقاط ایران شناخته شده‌اند.

روغن: از مغز گردو روغن تهیه می‌شود که هم به صورت خوراکی و هم به صورت داروهای سنتی به کار می‌رود. روغن گردو در کارهای صنعتی و هنری نیز کاربرد دارد.

داروی سنتی: در بسیاری از روستاها مثل فریزی مغز گردو را می‌سوزانند و سوخته‌اش را برای بهبود دردها؛ بویژه پادرد به کار می‌برند. در برخی روستاها مثل گیفان روغن گردو را برای چرب کردن زخمها مثلاً برای بهبود محل ختنه به کار می‌برند.

آفتهای گردو

گردو از درختهای کم آفت است و در برابر بیماریهای گیاهی از خود پایداری نشان می‌دهد. با این همه آفتهایی هم دارد؛ مانند شته که به برگ و دم میوه گردو یورش می‌برد.

یکی از بیماریهای گردو این است که درخت باد می‌کند، می‌گویند درخت کر kar شده است. برای درمان با تبری یک بلست be.lest / و جب قاچ می‌دهند، تا بادش درشود و سال دیگر گردو بدهد. کرم خوردگی، بیماری است که درخت را پوک می‌کند.

تنها در سالهای بسیار سرد و یخبندان که برخی از شاخه‌های نازک می‌خشکند و یا درخت بار نمی‌دهد به هنگام جهیدن آذرخش، اگر درخت در پناه نباشد، همه گردوهایش سیاه و پوچ می‌شود که دیگر خوردنی نیستند و به آن جز برق‌زده je.ze.barq.za.de می‌گویند. آذرخش خود درخت را هم می‌خشکاند و زرد می‌کند. در مجموع درحال حاضر (۱۳۷۴) گردو جزو کم‌آفت‌ترین درختهای ایران است.

کاربردهای جنبی

بازی : انواع بازیها با گردو انجام می‌شود که توصیف آنها در حوصله این مقاله نیست. حتی بازی گردو ضرب‌المثلی را موجب شده است که می‌گویند برو «گردو بازی کن». این ضرب‌المثل کنایه از کسی است که هنوز بچه است و کارهایی بچه‌گانه می‌کند و یا می‌خواهند او را داخل آدم حساب نکنند.

جلوگیری از فرسایش

از روزگاران کهن درخت گردو مانند برخی از درختهای پرریشه دیگر مثل بید، توت و غیره را برای جلوگیری از فرسایش بخصوص فرسایش ساحلی رودخانه‌ها می‌کاشته‌اند. گردو به علت تناوری و ریشه عمیقی که در خاک می‌گستراند از طرف روستاییان به عنوان مانعی برای تغییر جهت سیلها غرس می‌شده و می‌شود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سایه

درخت گردو به علت گستردگی، ایجاد سایه مناسب می‌کند. در برخی مناطق کشاورزان برای داشتن سایه در مزارع بویژه دیمزارها تکدرختهایی را به صورت تنک می‌کارند تا از سایه آن، بخصوص در گرمای تموز؛ هنگام درو استفاده کنند.

گردو به عنوان پول

یکی از ویژگیهای درخت گردو آن است که آن را می‌توان به صورت تکدرخت و یا سهمی از یک درخت فروخت. در حقیقت گردو حکم دام را پیدا می‌کند. یک دامدار اگر دچار کمبود نقدینگی شد یک یا چند رأس دام خود را می‌فروشد، بدون آن که همه گله را بفروشد. یک روستایی گردوکار هم اگر دچار کمبود نقدینگی شد می‌تواند یک اصله از درخت گردو یا یک دانگ یا سهمی از یک

درخت را بفروشد. این امر نقش مهمی در اقتصاد خانوار روستایی دارد. یکی از دلایل نشانیدن نهال گردو همین امر است. در صورتی که برای درختان دیگر لاقبل در مناطق کوهستانی این گونه نیست. کسی حاضر نیست یک درخت سیب یا گلابی را آن هم بدون زمین بخرد.

نتیجه

- ۱- تمامی فرضیات این طرح به اثبات رسیده تلقی می‌شود.
- ۲- از دید آموزشی، مطالعات مربوط به گردو (که می‌توان هنوز آن را گسترش دارد) به دانشجویان نشان می‌دهد که اگر با دید ژرف‌انگر به برخی مسائل، اصطلاحات، واژگان و نامها توجه شود، مطالب ارزنده‌ی زیادی بر پژوهنده روشن می‌شود. این مطالب می‌تواند عمق مسائل فرهنگی و اجتماعی بویژه در روستاهای ما را نشان دهد. برای محققان این طرح بعد آموزشی مسائل مطرح شده در فرهنگ اصطلاحات روستایی بی‌نهایت ارزشمند است.
- ۳- گردو در روستاهای کوهستانی ریشه در فرهنگ ساختاری جوامع این روستاها دارد. این امر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای را فراهم آورده است. یکی از مهمترین این ویژگیها یاورها و تعاون در امر بهره‌برداری است.
- ۴- گردو به علت نقش فرهنگی خود و به علت عمر دراز درخت به صورت واسطه‌العقد اجتماع خویشاوندی درآمده است. افراد یک خانواده یا فامیل گسترده که به دلایل عدیده از هم گسسته شده‌اند، به یمن شریک بودن در یک یا تعدادی درخت گردوی کهنسال که گاه از چند نسل قبل ارث رسیده است از هم با خبر هستند. درخت گردو شجره‌نامه بسیاری از خانوارها گردیده است.
- ۵- از نقش فرهنگی گردو که بگذریم این درخت و محصول آن نقش اقتصادی مهمی در روستاهای کوهستانی دارد. طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در بسیاری از روستاها از تعداد درختان گردو کاسته شده است. خوشبختانه در سالهای اخیر روستاییان زیادی به کاشت نهال جدید اقدام کرده‌اند. تشویق روستاییان به این امر می‌تواند در بهبود وضع اقتصادی و ایجاد روحیه تعاون و همکاری و بازسازی برخی سنتهای نیکوی فرهنگی مؤثر باشد.

واژگان بومی

ابره (eb. ra) [گیفان] ده یک یا $\frac{1}{10}$ سهمی که در بخشبندی گردو رایج است.
ازکی az. ki [خرم‌آباد] پرسشی که به هنگام تقسیم گردو میان شرکا مطرح می‌شود

بایه bā. ya ["] ← گرمه

بلست be. lest ["] ← وجب

بتیر pa. tir [فریزی] فطیر

پاگشا pā. go. šā [مهوید، امرودکان، کریمو]

پوستله pus. te. le [فریزی] پوستهای کنده‌شده گردو که آن را خشک کرده برای رنگرزی به کار می‌برند.

پوکله pok. le [گیفان] ← پوستله

په‌چینی pe. čī. ni ["] پس از گردآوردن گردوها از زیر درخت، بچه‌ها زیر درختها را می‌جویند، هرکس هرچه یافت مال خودش.

جز jez ["] = گردو

جوالدوزی jo. vāl. du. zi [فردوس] ← سوزنی

جوز jowz [مهوید، امرودکان، کریمو، مصعبی] = گردو

جوز jowz [گلمکان، اخلمد، دولت‌آباد] گردو

جوز روی jowz. ravi [مصعبی] ← یازدن

جوز کل‌کنی jowz. kal. ko. ni [فردوس] ← لخ کردن

جوزنوشته jow. z-e-ne. veš. ta [فریزی] ← چینگ بلند

چینگ بلند čing. bo. land ["] گردویی است با نوک تیز و مغز پر، خطهایی روی مغزش به چشم می‌خورد.

چینگ بلندی čingi ["] ← چینگ بلند

چینه‌گر čī. ne. gar [گیفان] کسانی که برای گردآوری و گردوچینی می‌آیند.

حق روه haq. qe. ro. ve [فریزی] $\frac{1}{10}$ و گاه شمار معینی گردو و یا پول که به روه داده می‌شود.

حق کشت haq. qe. kešt [دولت‌آباد] حقی که پس از کشت نهال در باغ اجاره‌ای برای مستأجر

پیدا می‌شود.

حلوا جزی [گیفان] hei. va. ĵe. zi مخلوطی کوبیده از مغز گردو با کشمش
 حیطه [فریزی] hey. ta / حیاط [گیفان] ha. yet حیط [کدکن] ha. yat با درختان جوان که
 با دیواری کوتاه (گلی یا سنگی) احاطه شده است.

حیطه چه [فریزی] (hay. Ta. ča) قسمتی از باغ که در آن نهال به صورت خزانه می‌کارند.

خوره خرده [فریزی] (xo. re. xor. da) = کاغذی

دانگ [مصعبی] ۱/۶ و گاه حتی ۱/۴ درخت گردو

دست روشنو [فریزی] das.te.ru.na.šow گردویی که روی مغز آن خاکستری‌رنگ است.

دولنه ["] dol.na = روه

روه [فریزی] ro.va کسی که برای تکاندن گردو بالای درخت می‌رود.

ریوو [کنگ] ri.vow = روه

زنج [گیفان] zenj / شیرۀ تراویده از تنه درخت را گویند.

ساج ["] sãč ظرفی کوزه و فلزی برای پختن نان و گاه برای تف‌دادن گندم.

سنگی [گیفان] san. gi = سوزنی

سوزنی [مشهد] su. za. ni پوسته‌ای نسبتاً سخت دارد و پس از شکستن مغز آن به سادگی از

پوسته جدا نمی‌شود و برای بیرون آوردن آن باید از جوالدوز استفاده کرد.

شاخ [مصعبی] šax = دانگ

شگلو [فریزی] še. ga. lu است ریز و گرد

قق [گیفان] qeq = شگلو

کاغذی [کنگ، فریزی، فردوس] بهترین گونه گردوست، با پوستی نازک که با دست

هم می‌شکند، مغزش سفید و به آسانی بیرون می‌آید.

کاک‌شکنی [گیفان] ka. keš. ka. ni = لیخ کردن

کر [گیفان] گونه بیماری درخت گردو که در اثر آن درخت باد می‌کند.

کلاغ کشت [فریزی] kalâq. kešt که کلاغان در زمین نهان می‌کنند و سبز می‌شود.

کلاغونه [فریزی] ke. lâ. qu. na = سوزنی

کلاک پیر [کنگ] ke. lâk. pir = سوزنی

کل جوز [فریزی] kal. ĵawz = پوسته

کلویی [گیفان] kelo. yi ← سوزنی
 کله قونه [فریزی] kal. le. qu. na ← سوزنی
 گوزم ["] ge. rezm گونه‌ای درخت سخت چوب که «یا» را از آن می‌سازند.
 گرمه [فریزی] ger. ma گردوهای زودرسی را گویند که پیش از پاییز می‌رسند و پوست سبز آنها شکافته شده و گردو می‌افتد.

گزنده [کنگ] ge. zen. da ← یا
 گوز سیلکیراک [خرم‌آباد] qoz. sil. ki. rak ← یازدن
 گولوندن [گیفان] go. lon. dan ← یازدن
 گولوندنی ["] go. lon. da. ni ← حق روه
 لال ["] lâi ← چینگ بلند
 لخ کردن [فریزی] lax. ker. dan و پاک‌کردن پوست سبز گردو از روی پوسته سخت آن
 لیقی [کنگ] li. qi ← گرمه
 مته دراز [کنگ] mat. te. ye. de. râz ← چینگ بلند
 مته گرد ["] mat. te. gerd ← نرمک
 نرمک [فردوس] nar. mak گردویی که پوستش از کاغذی سخت‌تر است و مغزی سفید دارد و به آسانی بیرون می‌آید.

نگاداشتنی [گیفان] ne. gâ. dâš. ta. ni ^۱ از گردوی درخت به کسی داده می‌شود که نگهبان همیشگی درخت بوده است.

وخمیات ["] vax. mi. yât و قفیات
 ورو [فریزی] var. row
 ورو [فردوس] va. row نهال گردو را هنگامی که از خزان به جایگاه همیشگی اش می‌آورند تا ۱۰ سالگی به این نام می‌خوانند.

یا [فریزی] yâ چوب بلند و محکم که برای تکاندن گردو به کار می‌رود.
 یازدن [فریزی] yâ. ze. dan یا چوب زدن درخت گردو را گویند.

جاینامها

شهرستان	آوا	آبادی
[مشهد]	áb. Ka. Me	(۱) آبکمه
[چناران]	ax. la. mad	(۲) اخلمد
[فردوس]	am. rud. kân	(۳) امرودکان
[مشهد]	or. tâ. kand	(۴) اورته کند
["]	bâq. kand	(۵) باغکند
["]	bar. de	(۶) برده
[چناران]	boq. mej	(۷) بقمج
["]	pâ. ya	(۸) پایه
[سبزوار]	xor. ram. â. bád	(۹) خرم آباد
[مشهد]	xâ. je. mo. râd	(۱۰) خواجه مراد
[چناران]	dow. lat. â. bád	(۱۱) دولت آباد
[مشهد]	sar. rud	(۱۲) سررود
[قوچان]	emâ. rat	(۱۳) عمارت
[چناران]	fî. ri. zi	(۱۴) فریزی
[مشهد]	qara. tikân	(۱۵) قره تیکان
[مشهد]	qal. e. no	(۱۶) قلعه نو
[فردوس]	ke. ri. mu	(۱۷) کریمو
[مشهد]	kang	(۱۸) کنگ
[بجنورد]	gi. fân	(۱۹) گیفان
[چناران]	gol. ma. kân	(۲۰) گلماکان
[فردوس]	mas. â. bi	(۲۱) مصعبی
["]	mah. vid	(۲۲) مهرید